

# دبیرستان، سالنامه نویسی و توسعه

بررسی نمونه‌ای تحولات تاریخی  
فرهنگ‌ساز در کاشان دهه ۱۳۳۰

● محمدرضا مهدی‌زاده\*

## اشاره

برخاستن جنبش یا موج مهم علمی و فرهنگی سالنامه‌نویسی در دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ خورشیدی، یکی از رویدادهایی است که در آینده فرهنگی ایران تأثیر بسیار نهاد؛ اما تاکنون چندان مورد توجه و پژوهش قرار نگرفته است. این تکاپو همراه و در دل فرایند تأسیس مدرسه‌ها (اعم از ابتدایی تا دبیرستان) به سبک جدید با تدوین و انتشار سالنامه‌های دبیرستانی و فرهنگی، کل فضای مدرسه‌های کشور را متأثر کرد. رویدادهای مزبور را از جمله مهم‌ترین عاملان ایجاد روبه‌ها و نهادهای نو به‌ویژه در فرهنگ می‌توان دانست.

## □ مقدمه:

هرچند، سال ورود ایران به باشگاه نهادهای آموزش و تحصیلات عالی را باید سال ۱۳۱۳ و تأسیس دانشگاه تهران دانست و نگاه مسلط نیز چنین می‌اندیشد، اما بال دیگر، توسعه علمی، فرهنگی و تحصیلات عمومی پایه/متوسطه است که در همین سال‌ها با تأسیس دبیرستان‌ها و نشر سالنامه شاهد اثرگذاری آن‌ها هستیم. در این جستار، در کنار بررسی نقش تأسیس و گسترش دبیرستان‌های تازه‌ساز، به‌عنوان مولد و پیشران آموزش پیشرفته و عالی آینده هر شهر، نقش مهم سالنامه‌نگاری در ایجاد نوعی فرهنگ مکتوب و فرهیختگی و پیشروکردن این نهادها و تأثیری که این سنت نگارشی در پرورش نسل‌های بعد و توسعه فرهنگی ایران گذاشت، با نمونه موردی شهر کاشان، واکاوی شده است.

\*دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی و پژوهشگر ..... E-mail: Mahdizam@yahoo.com

## □ توسعه فرهنگ: نقش نهادها و برنامه‌های خلاقانه

هرچند «فرهنگ» مفهومی گسترده و متکثرالاضلاع است، اما این گستردگی بیشتر ثمره تحولات اخیر و به‌خصوص عصر چاپ و ثبت اطلاعات است. در ادوار گذشته، فرهنگ اصولاً با سواد و دانش‌ور بودن معنا می‌شد و اهل سواد (که اقلیتی از جامعه هم بودند)، پیشرو و رهبر دگرگونی‌ها و پیشاهنگ و الگوی کل جامعه محسوب می‌شدند. پس بیراه نیست که همانند گذشته فرهنگ را عمدتاً در معنای سواد و دانش‌ور بودن به سبک و مقتضیات زمانه بدانیم (اعم از عالم دین‌بودن چون تلقی از معارف همان علوم دینی بود یا حکیم همه علوم‌بودن و سواد نوشتن و خواندن داشتن، چون اکثریت بی‌سواد بودند). چرا که حتی امروز نیز تسلط بر ارزش‌ها، و بینش‌ها، و فرهیختگی در تمامی حوزه‌ها مستلزم داشتن سواد، خواندن، و تربیت و آموزش مقدماتی در مدرسه‌ها و شناخت مکاتب علوم در دانشگاه‌هاست. به‌طور کلی گسترش و توسعه فرهنگی و در اینجا ارزش‌ها و نگرش‌های مدرنی چون سواد، تفکر تحلیلی و انتقادی، برنامه‌مداری، انضباط فکری و نظری، و ... با خلق، گسترش و نهادینه‌سازی این ارزش‌ها به‌صورت انفرادی و اجتماعی صورت می‌گیرد. واضح است که کوشش‌های جمعی نافذتر، فراگیرتر و درازدامن‌تر از تلاش‌های فردی و طلایه‌داری افراد نخبه و انگشت‌شمار است. پس در اینجا نقش اجتماعی و نهادی ساختارها و رویدادهایی بررسی می‌شوند که پیش‌ران یا بنیان‌گذار توسعه فرهنگ در جوامع عصر خود بوده‌اند. این نهادها شامل انجمن‌ها و گروه‌های صنفی، مؤسسه‌های عمومی یا گروهی، و یا هر ساختاری هستند که به نحوی بر زیست، اندیشه و آینده شهروندان اثر می‌گذارند.

مدرسه‌ها و پس از آن‌ها دانشگاه‌ها بیش از هر نهاد اجتماعی دیگری چنین نقشی را به فراوانی بر عهده دارند. در مطالعات موجود عمدتاً نقش کنشگران حوزه آموزش و به‌خصوص تحولات تاریخی نهاد علم و دانشگاه مورد توجه و پژوهش بیشتر و عمیق‌تر، به‌ویژه در ارتباط با ورود ایران به مدرنیته قرار گرفته است (فراستخواه، ۱۴۰۲؛ فراستخواه، ۱۳۹۷؛ فراستخواه، ۱۴۰۰؛ مناشری، ۱۳۹۷). اما نقش نهادهای پیشادانشگاه و خاصه دبیرستان‌ها و رویدادهای ناظر بدان‌ها کمتر مورد بررسی واقع شده است. این جستار درصد واکاوی محدود تأثیر این نهاد بر تمهید و هموارسازی رشد و توسعه و ورود نسل بعد کشور به مدرنیسم فرهنگی و آموزشی است.

بازه زمانی (دهه ۱۳۱۰ تا آخر دهه ۱۳۴۰) را باید بازه اثرگذاری مدرسه‌ها نام نهاد. چرا که دانشگاه در سال ۱۳۱۳ در شکل مدرن در حال شکل‌گیری و تأسیس بود و اندک اندک تجربه می‌شد. اما تجربه مدرسه‌ها با طی سه مرحله مجالس مباحثه در مساجد، مدرسه‌های دینی ذیل مساجد و مکتب‌خانه‌ها، و در نهایت مدرسه‌های ابتدایی جدید به کوشش رشديه، تقریباً از عصر مشروطه شکل گرفته و نهادینه شده بودند. البته مدرسه‌های متوسطه هنوز و با وجود دارالفنون که هویتی نامشخص (بین دبیرستان و دانشگاه) داشت،

مجله «درس‌هایی  
از مکتب اسلام»  
که از مهم‌ترین  
نشریات  
فرهنگی و مؤثر  
نیروهای مذهبی  
در دهه ۱۳۴۰ ش.  
به شمار می‌آمد

تا عصر پهلوی نهادینه و تثبیت نشده بودند. تصویب قانون آموزش عمومی رایگان در سال ۱۳۲۲ و تغییر وزارت معارف به وزارت فرهنگ، پذیرش سه نوع مدرسه دولتی، ملی و خصوصی، و مهم‌تر یکپارچه‌سازی نظام آموزشی «۶ و ۶»، مهم‌ترین عوامل گسترش و جانگیری دبیرستان‌ها تا اول دوره پهلوی دوم بودند. بعدها و در سال ۱۳۴۶ این نظام به نظام «۵، ۳، ۴» دگرگون شد و بین دبستان و دبیرستان، دوره راهنمایی تعبیه شد.

تعریف معارف گرچه در سال‌های اولیه و تا سال ۱۲۸۹ حاکی از جمع‌بندی و تلخیص تمامی دانش‌ها ذیل معارف و علم است، اما در این سال قرارداد نام و نهاد اوقاف، فرهنگ و صنایع مستظرفه مبین اهمیت قبلی یا جدید این بخش‌ها و نقشی است که بخش سرگردان و بی‌متولی اوقاف و بخش تازه شناخته‌شده هنرهای ظریف و زیبا در تولید و گسترش علم و فرهنگ‌سازی، و تربیت ذوق و احساسات ایفا می‌کنند. تنوع و افزایش کارکردی این حیطه‌های بزرگ و گاه نامتجانس سرانجام موجب جدایی این بخش‌ها از وزارتخانه شد و یک‌کاسه‌کردن موضوع تحصیل ذیل فرهنگ را در سال ۱۳۱۷ در پی داشت. البته از شیوع **گفتمان فرهنگستانی** و حاکمیت دانشوران روان‌شناسی و فرهنگ در کادر بوروکراسی زمانه (فروغی، داور و بازیگران عصر پهلوی اول) نیز نباید غافل بود. این تأکید بر فرهنگ اصولاً بعدها با تغییر نگرش و حاکمیت عقبه فرانسوی روشن‌فکران و بوروکرات‌ها به سوی غرب و سویه آمریکایی، موجب تغییر نگاه از فرهنگ به عنوان یک نهاد کلان و گسترده به آموزش و پرورش (اجوکیشن به جای کالتور) در دهه ۱۳۴۰ و عصر رونق نفتی می‌شود.

## □ موج سالنامه‌ای در دبیرستان‌ها

فرض جستار حاضر آن است که در بازه زمانی مورد بررسی، در کشور موجی نواز ساخت، تأسیس و اداره دبیرستان‌ها، و متعاقب آن تولید و نشر سالنامه‌های فرهنگی و دبیرستانی شکل گرفته است که این موج نقش زیادی در توسعه اجتماعی و فرهنگی شهرها و به طور کلی کشور داشته است. درک خیزش و گسترش موج تولید سالنامه‌های دبیرستانی در دهه مورد بحث مستلزم تصور و درکی اجمالی از شرایط اجتماعی و کلان نهاد «تعلیمات»<sup>۱</sup> است. گرچه کنکاش در اثبات و تعیین اولین دبیرستان‌ها فایده چندانی ندارد، اما آمار دبیرستان‌ها از دوره ۱۳۲۰ به بعد حاکی از رشد قابل توجه آن‌هاست. به علاوه از میان این دبیرستان‌ها شاهد برآمدن جنبش یا حرکتی هستیم که می‌توان آن را موج سالنامه‌نگاری دانست. یعنی دبیرستان‌های ممتاز، علاوه بر ایجاد هویت و شاکله اداری و مدیریتی متمایز و برجسته، به نهادی منحصر به فرد از لحاظ آموزگاران، مواد درسی و امکانات تبدیل شدند و با تشکیل انجمن‌های خاص، به تدوین و نشر سالنامه نیز دست زدند.

1. education

اولین  
سرشماری ایران  
در سال ۱۳۳۵  
صورت گرفت

آماري که عیسی صدیق (۱۳۱۹) در سال ۱۳۱۸ در خصوص دبیرستان‌های ایران زیر عنوان «آمار فرهنگ» می‌دهد قابل توجه است. همان‌گونه که دیده می‌شود، در پایان دوران پهلوی اول، نسبت جمعیت دبیرستانی به دانشگاهی ۷/۵ برابر است. این در حالی است که هنوز نرخ باسوادی حتی در سال ۱۳۳۵ و سرشماری ۱۵ سال بعد از آن، ۱۵ درصد کل جمعیت بوده است (نرخ باسوادی شهری در سرشماری این سال ۳۴/۶ درصد است). اگر تعداد دبیرستان دانش‌سرای مقدماتی را به تعداد استان‌ها در همین سال که ۱۰ استان است تقسیم کنیم، به هر استان کمتر از ۳ دانش‌سرا و ۲۸ دبیرستان می‌رسد. بر اساس سرشماری ۱۳۳۵ در کشور ۲۰۰ شهر داشته‌ایم که بدین ترتیب متوسط وجود دبیرستان در هر شهر به حدود یک خواهد رسید.

**جدول ۱. وضعیت نهادهای آموزشی تا اواخر پهلوی اول - ۱۳۱۸**

نوع مؤسسه	تعداد مؤسسه	دانش آموز	معلم
دبیرستان دولتی	۱۵۴	۱۲۶۰۱	۱۰۲۴
ملی و خارجی	۱۲۲	۱۲۶۳۶	۸۵۰
جمع دبیرستان‌ها	۲۷۶	۲۵۲۳۷	۱۸۷۴
دانش‌سرای مقدماتی	۲۴	۱۱۹۱	۱۵۳
دانشگاه و مدرسه‌های عالی دیگر	۱۱	۲۱۸۴	۲۸۸
جمع دانش‌سرا / دانشگاه	۳۵	۳۳۷۵	۴۴۱

در بازه زمانی مذکور که در اکثر شهرها، جز کلان‌شهرهایی چون تهران، تبریز و اصفهان، هنوز نه دانشگاه، بلکه دبیرستان کامل نیز وجود نداشت، دبیرستان را می‌توان طلایه‌دار توسعه فرهنگی دانست. نهادی که اولاً با افق و مثل دارالفنون شروع به کار کرد، از خروجی دانشگاه‌های نوظهور (دانش‌سرای عالی) بهره برد و در شهرهایی که نرخ بی‌سوادی بسیار بالا بود، خود به‌سان یک دانشگاه در توسعه سواد و آماده‌سازی افراد برای نقش‌آفرینی در جامعه عمل کرده است. اولین سرشماری ایران در سال ۱۳۳۵ صورت گرفت. در جدول ۲ نرخ باسوادی در کل سرشماری‌ها آمده است.

۱. مأخذ: صدیق، ۱۳۱۹: ۴۰۵

## جدول ۲. درصد باسوادی جمعیت شش ساله و بیشتر کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵<sup>۱</sup>

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
مرد و زن	۱۵,۱	۲۹/۴	۴۷/۵	۶۱/۸	۷۴/۱	۷۹/۵	۸۴/۶	۸۴/۷	۸۷/۶
مرد	۲۲/۴	۴۰/۱	۵۸/۹	۷۱	۸۰/۶	۸۴/۷	۸۸/۷	۸۸/۴	۹۱
زن	۸	۱۷/۹	۳۵/۵	۵۲/۱	۶۷/۱	۷۴/۲	۸۰/۳	۸۱/۱	۸۴/۲

برای تبدیل دانش و نگرش شفاهی به مکتوب، صورت‌بندی افکار و اندیشه‌ها و خلق نگاه‌های نو، و بسط سنت علمی و فرزاندگی محسوب می‌شدند. موضوعی که خود یکی از بنیان‌های توسعه است و ترویج و دامن‌زدن به آن در میان نوسوادان و دبیرستانی‌ها، اعم از دانش‌آموز و آموزگار، زمینه‌سازی برای رشد دانش و فرهنگ آینده است.

اگر قرار باشد اطلاعات و نوع نگاه سالانه یک شهر و اجتماع به خودش را، در قالب یک سالنامه، در صورت‌های متفاوت آماری، تبلیغاتی، اداری / دیوانی، بیلابنی، مطبوعاتی، مالی، آموزشی و ... ببینیم، به جز سالنامه‌های تدوین‌شده از سوی نشریات و مطبوعات، سالنامه‌های نهادهای علمی و آموزشی بهترین و قابل‌استنادترین اسناد خواهند بود. در سال‌ها و شهرهایی که سطح باسوادی در آن‌ها به ۵۰ درصد هم نمی‌رسید و حتی از نشریات محلی نیز در برخی از آن‌ها خبری نیست، این نهادهای فرهنگی هستند که بار گران توسعه فرهنگ، تولید آگاهی، و نگارش و نشر را بر دوش می‌کشند. تا قبل از گسترش دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی، این بار بر دوش مدرسه‌ها بود. چه بسا حتی امروزه نیز بعضی از منتقدان، فرارفت ما را از سطح مدارس عالی به دانشگاه، به دیده تردید می‌نگرند و معتقدند، هنوز دانشگاه‌ها کاری جز کوشش همان مدرسه‌های عالی قدیم صورت نداده‌اند (منصوری، ۱۴۰۱).

نیک می‌دانیم که بعد از مشروطیت و با ورود نگرش مدرن به ایران، مدرسه‌های جدید سربرآوردند و آموزش نو در چهار گونه دینی، سنتی، جدید و عالی، تا عصر پهلوی و قبل از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شروع به جوانه‌زنی کردند و می‌توان گفت عملاً و در غیاب آموزش عالی و «دانشگاه نهادینه‌نشده» دبیرستان‌ها نهادهای آموزش و پراکنش دانش و آگاهی در ایران بودند. به عبارت دیگر این دبیرستان‌های تازه تأسیس و معلمان و

۱. مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰. میزان باسوادی از تقسیم جمعیت شش ساله و بیشتر باسواد، به کل جمعیت شش ساله و بیشتر، ضربدر عدد ۱۰۰ به دست می‌آید. در سرشماری سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، درصد باسوادی برای جمعیت هفت ساله به بالا محاسبه شده است (سایت مرکز آمار ایران / <https://www.amar.org.ir>، آمارهای موضوعی / سواد#۵۵۴۹۶۶۱).

انتشار سالنامه  
در میان  
سازمان‌های دولتی،  
در مؤسسه‌های  
فرهنگی،  
دانشکده‌ها و  
مراکز آموزشی،  
به‌ویژه دبیرستان‌ها  
از سال ۱۳۱۰  
تا سال ۱۳۲۰  
از همه پیشی  
گرفته بوده است

دانش‌آموزان آن‌ها بودند که آینده آگاهی، دانش و توسعه جامعه ما را می‌ساختند. انتشار سالنامه در میان سازمان‌های دولتی، همان‌گونه که قاسمی می‌گوید، در مؤسسه‌های فرهنگی، دانشکده‌ها و مراکز آموزشی، به‌ویژه دبیرستان‌ها از سال ۱۳۱۰ تا سال ۱۳۲۰ از همه پیشی گرفته بوده است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۵۳). دارالمعلمین عالی که بعدها دانش‌سرای عالی شد، از سال ۱۳۱۱ «کلوب سالنامه دارالمعلمین عالی» را تأسیس کرد و همه ساله سالنامه انتشار می‌داد. نخستین آن‌ها را در سال ۱۳۱۲ در ۸۰ صفحه منتشر کرد که بعدها به دو زبان فارسی و انگلیسی نشر یافت.

گردآورنده فهرست سالنامه‌های مدرسه‌های ایران، اولین سالنامه فرهنگی را مربوط به سال ۱۳۰۳ و با نام «سالنامه اداره معارف گیلان» در ۳۲ صفحه به ثبت رسانده است. بعد از ارائه سالنامه‌های معارف تهران، آذربایجان و کرمانشاهان (۱۳۰۵) و خوزستان (رپرت ۳۵ ماهه سال ۱۳۰۷)، اولین سالنامه‌های مدرسه‌ای عبارت بودند از رپرت هفت ساله مدرسه متوسطه اصفهان، مؤسسه اکبر میرزا مسعود (مهر ۱۳۰۷)، سالنامه مدرسه خیریه ابتدایی و متوسطه سلطانی شیراز (تیر ۱۳۰۷ و نیز ۱۳۰۸). پس از سالنامه‌های دارالمعلمین عالی (۱۳۱۲) و دانش‌سرای عالی (۱۳۱۳)، اولین سالنامه دبیرستانی سالنامه دبیرستان شاه‌رضای مشهد، به‌کوشش پروین گنابادی (۱۳۱۳) بوده است (باقربان موحد، ۱۴۰۰: ۷۱).

تا سال ۱۳۲۰، علاوه بر سالنامه دانش‌سراهای مقدماتی و عالی تهران، تبریز و کرمان، سالنامه‌های دبیرستان‌های ایرانشهر، پهلوی تهران، شاهپور رشت، شاهدخت پهلوی رضائیه، علمیه تهران، فردوسی مشهد، کیخسروی یزد، معارف اراک و فارس (۱۳۱۵)، نوشیروان تهران (دخترانه)، ادب تبریز، معارف کردستان، فلاحت کرج (۱۳۱۷)، سعدی اسپهان، پهلوی بروجرد (۱۳۱۶)، ایرانشهر یزد، پهلوی قزوین (۱۳۱۸) و پهلوی ساری (۱۳۱۹) به یادگار مانده‌اند.

در مجموع میان سبک، محتوا و نحوه ارائه اکثر سالنامه‌های مدرسه‌ها با اولین سالنامه دارالمعلمین عالی که سال ۱۳۱۲ در ۷۳ صفحه و با مطالبی به زبان فرانسه منتشر شد، شباهت‌های بسیاری می‌توان دید. این اولین سالنامه دارالمعلمین (دومین آن‌ها سال ۱۳۱۳ با عنوان سالنامه دانش‌سرای عالی نشر یافته که مقارن تغییر نام این مؤسسه بوده است) سال تحصیلی ۱۲-۱۳۱۱ را پوشش می‌دهد و فهرست عنوان‌هایش چنین هستند: مقدمه؛ تاریخچه دارالمعلمین عالی؛ تاریخچه باغ نگارستان؛ تدریس علوم تربیتی؛ امتحانات؛ خلاصه نظام‌نامه داخلی؛ قانون اعطای کمک خرج به محصلین و ترتیب استخدام لیسانسیه‌ها؛ مستخرج از نظام‌نامه کمک خرج؛ نظام وظیفه؛ مقررات صحی؛ اراضی و ابنیه مدرسه؛ کتابخانه؛ لابراتوار؛ وسایل تحقیق در تهران؛ گردش‌های علمی، یکی از اصول تربیت جدید؛ عملیات مافوق پروگرام؛ کلوب ورزش؛ کلوب کتابخانه؛ کلوب سالنامه؛ کلوب نطق و مناظره؛ کلوب دوستداران بوعلی؛ کلوب وضع لغات علمی؛

مرکز تربیت معلم  
در سال ۱۳۰۷  
به دو بخش  
دارالمعلمین  
مقدماتی و عالی  
تقسیم شد

تالار اجتماعات؛ شمه‌ای از افکار محصلین؛ جامعه‌لیسانسیه‌های دارالمعلمین؛ احصایه لیسانسیه‌ها؛ اسامی لیسانسیه؛ احصایه محصلین؛ اسامی محصلین؛ شرح مختصری راجع به دارالمعلمین عالی به زبان فرانسه.

سالنامه دوم دارالمعلمین نیز (که در همان سال با سالنامه سوم منتشر می‌شود) دقیقاً با همین شاکله و حتی عنوان‌های مشابه انتشار یافته (همان، ص ۷۴-۷۱) و فقط احصایه معلمین به آن اضافه شده است و زبان خارجی پایان کار در معرفی به انگلیسی (در سومی به آلمانی) تبدیل می‌شود. در سالنامه چاپ ۱۳۱۵ دانش‌سرای عالی (احتمالاً چهارمی) است که علاوه بر شیوه‌ارائه مطلب فوق، نوشته‌ها یا خطابه‌های استادان میرزی چون شفق، فروزانفر، نفیسی، یاسمی، سیاسی، و ... نیز درج می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم این سالنامه‌ها تبدیل آن‌ها به محلی برای بازتعریف هویت تاریخی و جغرافیایی هر شهر است. شاید برای اولین بار باشد که در هر شهر بخشی از این نوشته‌ها به آثار تاریخی، مشاهیر، تاریخ و جغرافیا، و امور مهم تلقی شده این شهرها اختصاص می‌یابد. به عبارت دیگر رسالت دوم موج سالنامه‌نویسی بازتعریف و شکل‌بندی جدید از هویت محلی و ملی نزد دانش‌آموزان و تحصیلکردگان جدید هر شهر است؛ آنچه که تا قبل از آن به‌ندرت در افکار یا اندیشه‌های به چشم می‌خورد و شناخت و صورت‌بندی مکتوب و همگانی از آن نبود.

با این حال از ریشه‌ها و عوامل ملی و غیرمحلی پیدایش این امواج دبیرستانی و سالنامه‌ای نیز نباید غافل بود. سوای نقش مهم کنشگران مرزی فعال در هر دوره (فراستخواه، ۱۴۰۲) و طراحان مفهوم دانشگاه و دانش‌سرا، مبادی و ریشه‌هایی که به نهادسازی‌های آموزشی قبل از تأسیس دانشگاه تهران برمی‌گشت و عملاً خود را در ساختار و کارگزاران دارالمعلمین یا دانش‌سرای بعد باز می‌نمایند نیز در آن دخیل بودند. زیرا نخستین اقدام برای تربیت آموزگاران دبستان‌ها در سال ۱۲۹۸ش، با تأسیس دارالمعلمین مرکزی به ریاست ابوالحسن فروغی صورت گرفت. برنامه آن نیز با دو کلاس ابتدایی و عالی، معادل برنامه دوره متوسطه بود و برجستگی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، عباس اقبال و ... در آن تدریس می‌کردند.

این مرکز تربیت معلم در سال ۱۳۰۷ به دو بخش دارالمعلمین مقدماتی و عالی تقسیم شد. سپس در سال ۱۳۰۸، با گسترش دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، مصوبه مجلس و تخصیص کمک هزینه به دانشجویانش، استخدام آن‌ها در دارالمعلمین عالی و سپس تقسیم آن به دو بخش علمی و ادبی در سال ۱۳۱۲، با برعهده گرفتن ریاستش توسط صدیق‌اعلم، به دانش‌سرای عالی تبدیل شد. نظام فعالیت‌های فوق برنامه، نظیر برگزاری جلسه‌های انجمن ادبی، خطابه، نگارش سالنامه، اجرای موسیقی و ... به همراه استفاده از آزمایشگاه‌های روان‌شناسی، فیزیک و ... در این مرکز انجام می‌گرفت که لیسانسیه‌های خروجی آن، همین برنامه‌ها را در مدرسه‌ها ساری و جاری و معمول می‌کردند.

در سال ۱۳۱۳، هم‌زمان با تأسیس دانشگاه تهران، بخش ادبی دانش‌سرای عالی به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن به دانشکده علوم تبدیل و دانش‌سرای عالی ضمیمه این دو دانشکده شد. **علی‌اکبر سیاسی** از سال ۱۳۲۱ تا سال ۱۳۳۴ ریاست دانش‌سرای عالی و دانشکده ادبیات را عهده‌دار بود. از سال ۱۳۳۴ بار دیگر دانش‌سرای عالی<sup>۱</sup> با جدایی از دانشکده ادبیات استقلال خود را، با تصویب قانون استقلال آن در مجلس، بازیافت (فرستخواه، ۱۴۰۰: ۳۴۰-۲۴۰؛ *محبوبی‌اردکانی*، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۱۹-۴۱۷). لذا فرایند و عملکرد دانش‌سرا تأثیرات آبخاری زیادی را از مرکز تا نواحی، و از جامعه لیسانسیه تا آموزگاران مدرسه‌ها، به شکل بازتولید همان نظام فوق‌برنامه، انجمن‌های گوناگون، نشر سالنامه و بهره‌گیری از فارغ‌التحصیلان آن‌ها در دبیرستان‌ها داشت و به شکل‌گیری نهادهای مؤثر در توسعه فرهنگی اقصا نقاط کشور یاری فراوان رساند.

### □ جنبش دبیرستان و سالنامه‌ای در کاشان

هر چند سابقه تعلیمات مدرن و ایجاد مدرسه‌هایی متفاوت با مدرسه‌های سنتی، مذهبی و مکتب‌خانه‌ای، به عصر مشروطه و روشن‌فکران همدل با آن در این شهر بر می‌گردد، اما باید بین جایگاه و تأثیرات دبیرستان و دبستان در آن عصر تمایز فراوان قائل شد. دبیرستان در شهرستان‌ها عمدتاً بردوش کشنده، فرهنگ، فرهیختگی و ورود به اجتماع روشن‌فکری و توسعه بود.

دبیرستان در مقایسه با تازه‌نهادی به نام «اونیوپورسیت» یا «دانشگاه» (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۰: ۵۵) که در سال ۱۳۱۳ در پایتخت پدید آمد، معنا می‌شد که دانش‌آموختگانش ظرف ۵ تا ۱۰ سال بعد وارد سایر نهادها می‌شدند. در مقایسه با دانش‌سرای عالی که اندک‌اندک خروجی‌های خود را وارد بخش فرهنگ و علوم می‌کرد، دبیرستان عهده‌دار نقش‌هایی وسیع‌تر بود. ارتقای اجتماعی و رشد طبقاتی نیز از دیپلم دبیرستان می‌گذشت؛ به‌خصوص که مدرک شش ابتدایی نیز ارزش لازم برای استخدام در دبستان‌های روستایی را یافته بود. لذا هر چند مدرسه‌های متفاوتی تا دهه ۱۳۱۰ تأسیس شده بودند، اما تأسیس و تشکیل دبیرستان خود اتفاق و رویدادی نادر و منحصر به فرد در هر شهری تلقی می‌شد.

بد نیست وضعیت **سواد** در شهرهای آن‌روز را، در جایی مانند کاشان بر اساس نخستین سرشماری رسمی ۱۳۳۵ تحلیل کنیم. از کل جمعیت ۱۶۴۰۶۹ نفری کاشان و حومه آن (۴۵۹۵۵ نفر) و از جمعیت ۱۰ سال به بالای کل منطقه، ۱۱ درصد (۲۲ درصد در کاشان)

۱. دانشگاه تربیت‌معلم سابق، واقع در خیابان شریعتی تهران که اینک به دانشگاه خوارزمی تبدیل شده، میراث‌دار بنا، معماری و تشکیلات ویژه دانش‌سرای عالی است. اخیر حوزه آموزش و پرورش، نهادهای ذی‌ربط خود را به دانشگاه فرهنگیان تبدیل کرده است که تشابه یا افتراق آن با این چارچوب و همان نظام تربیت‌معلمی قبلی، جای بررسی و کاوش دارد.

تحصیلات زیر ابتدایی و ۵ درصد (۱۲ درصد کاشان) مدرک ابتدایی داشتند. فقط کمتر از یک درصد کل جمعیت کاشان و حومه تحصیلات متوسطه را تمام کرده بودند و ۶۶ نفر سه سال یا بیشتر دانشکده را به پایان رسانده بودند. به عبارت دیگر، تحصیلات دبیرستان به بالای کاشان هنوز در این سال‌ها در طفولیت خود به سر می‌برد، چون نرخ باسوادی کم بود. در همین گزارش در آبان ۱۳۳۵ تعداد افراد شاغل در شغل‌های نویسندگی، هنری و سایر مشاغل تفریحی فقط ۱۷ نفر آمده بود که چهار نفر خویش فرما و ۱۳ نفر مزدبگیر طبقه‌بندی شده بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۸: ۶ و ۲۷).

اما در کاشان همان‌گونه که در جدول دگرگونی دبیرستانی و در میان سه نوع مدرسه دولتی، ملی و خصوصی دیده می‌شود، با وجود برپاشدن دبیرستان‌های متعدد با پایه اول به صورت ضمیمه در دبستان‌های ملی خیام، معارفی (بابا فضل)، دانش دوشیزگان و ... و ظهور موج و خیزش بناگذاری دبیرستان، هیچ‌کدام نتوانستند به صورت طولانی و با تمامی پایه‌ها، صدور دیپلم و بر جا گذاشتن نقشی ماندگار دوام بیاورند. لذا تمامی این موج به سه دبیرستان پهلوی، محمودیه و دختران شاهدخت منتهی شد.<sup>۱</sup>

کهن‌ترین و نخستین دبیرستان را باید همان دبیرستان پهلوی قلمداد کرد. این دبیرستان هم به سیاق سایر دبیرستان‌ها، در تداوم و برآمده از دبستان‌ها و مدرسه‌های مدرنی بود که بعد از مشروطه، به پیشگامی روشن‌فکران محلی تأسیس شده بودند و نخستین آن‌ها مدرسه علمیه بود. مدرسه علمیه که از سال ۱۲۸۰ تا سال ۱۲۸۵ در مسجد آقابرگ واقع بود و توسط علی شهید نراقی، شیخ یحیی کاشانی و غلامرضا معارفی مدیریت می‌شد، بعداً به خانه حسین مبصرالمالک، نایب والی کاشان (پدر الهیار صالح)، روبه‌روی مسجد انتقال یافت. در سال ۱۲۹۷ نیز عملاً به اداره معارف وقت واگذار و دولتی شد (سادات، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۹۵).

جدول ۳ تغییرات ایجاد دبیرستان در کاشان را که عملاً با تکاپوی نهادینه‌سازی و گسترش نخستین دبیرستان و کارگزاران مؤثر در آن همراه بود، نشان می‌دهد.

۱. متأسفانه این دبیرستان‌های کهن و ریشه‌دار که می‌توانستند منبع هویت و تاریخمندی شهر کاشان باشند نیز در گذر زمان از بی‌توجهی درامان نبودند و نه تنها در نام، بلکه در بنا و معماری نیز دچار تخریب و دگرگونی شدند. برخی پس از چند تغییر نام، هرچند همان ادامه دبیرستان‌های قبلی هستند، اما به‌علت تخریب بنای تاریخی، عملاً بخش زیادی از هویت فضایی خود را از دست داده‌اند. محمودیه با تخریب و بنای مجدد، به‌نام خیر جدید (محتشمی) نام‌گذاری شده است و کوشیده‌اند نام آن را در محلی دیگر حفظ شود (کاری تناقض‌آمیز). شاهدخت هم در کش و قوس تغییر نام و تخریب، اینک به نام خیرجدید (تبریزی) قابل ردیابی است. متأسفانه مدیریت نادرست تعارض، منابع، وقف و نیز خیرین مدرسه‌ساز، بدون لحاظ کردن نگرش‌های هویتی و تاریخی، چنین کاستی‌هایی را برای فرهنگ و تاریخ شهرها رقم می‌زند.

### جدول ۳. دگرگونی‌های دبیرستان محور هم‌زمان با تثبیت نخستین دبیرستان قدیمی کاشان (پیشین)<sup>۱</sup>

سال خورشیدی	رویداد مرتبط با ایجاد نخستین دبیرستان در کاشان (پهلوی)	سایر رویدادهای دبیرستانی مرتبط
۱۲۸۵-۱۲۷۷	● تأسیس و فعالیت مدرسه علمیه	● دبیرستان علمیه تهران (تأسیس ۱۳۱۷ ق/ ۱۲۷۷ ش) دومین دبیرستان کهن بعد از دارالفنون بود و الگوی بسیاری از دبیرستان‌ها شد.
۱۲۹۷	● تبدیل علمیه به مدرسه ابتدایی نمره یک (اولین دبستان دولتی) با مدیریت رسمی اداره معارف توسط غلامرضا معارفی	● ایجاد اداره فرهنگ کاشان در سال ۱۲۹۵ ش به نام معارف و اوقاف. ● ریاست عبدالحسین ملک المورخین سپهر (پدربزرگ سهراب) بر اداره معارف (۱۲۹۷) و انتشار کتاب مختصر جغرافیای کاشان وی
۱۳۰۰-۱۳۰۷	● تغییر به مدرسه علمیه احمدی (دبستان احمدیه یا ابتدایی نمره ۱ در مقابل ضیائیه که دومین دبستان دولتی بود) در سال ۱۳۰۶ و با یک کلاس پایه اول دبیرستان تشکیل می‌شود ● تغییر علمیه به دبستان پهلوی در سال ۱۳۰۶ و ایجاد در محله سلطان احمد / تشکیل پایه اول دبیرستان در آن ● ضمیمه شدن دبیرستان پهلوی به دبستان پهلوی و تشکیل پایه‌های اول و دوم	● معارفی مدیر علمیه هم‌زمان رئیس فرهنگ کاشان هم می‌شود و در سال ۱۳۰۷ رئیس فرهنگ گلپایگان ● به‌علت نبود دبیرریاضی منحل می‌شود
۱۳۱۶	● تشکیل کلاس پایه چهارم در ۱۳۱۷-۱۳۱۸ ● جداکردن دبیرستان از دبستان با حکم علی اصغر جهانشاه در کوچه شیخ‌الاسلام، خیابان صبا	● تأسیس دبیرستان دانش دوشیزگان در سال ۱۳۱۴ ضمیمه به دبستان دانش نراقی (پایه اول دبیرستان در سال ۱۳۰۸ تأسیس شد) ● در سال ۱۳۱۱ مدرسه آلیانس مجوز تأسیس سیکل اول دبیرستان را می‌گیرد
۱۳۱۹-۱۳۲۰	● دارای ۵ کلاس و ۱۵۰ شاگرد	● تأسیس و ضمیمه شدن دبیرستان دخترانه به دبستان شاهدخت در سال ۱۳۱۹ ● افتتاح پایه اول دبیرستان دولتی سپهر نطنز ● تدریس زبان فرانسه در دبیرستان و کتابخانه ۷۱۰ جلدی

۱. مدرسه علمیه بعد از دارالفنون دومین مدرسه دولتی به حساب می‌آید که زیر نظر انجمن معارف و شورای معارف بعدی در دوران مظفری و در سال ۱۳۱۷ قمری (۱۲۷۷ ه. ش) تشکیل شد. دارای دو بخش آموزش ابتدایی (در رقابت با مدرسه‌های رشدیه) و بخش علمی بود که بخش علمی بعدها متوسطه نام گرفت. در واقع اولین مدرسه متوسطه را می‌توان این مدرسه دانست. زیرا تنها مدرسه‌ای بود که دو سال آخر ابتدایی و سه سال اول متوسطه را داشت. احتمالاً نام علمیه نیز برگرفته از این بخش علمیه / علمی تر باشد که معادل دبیرستان امروز است (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۳۸۴).

جدول ۳. (ادامه)

سال خورشیدی	رویداد مرتبط با ایجاد نخستین دبیرستان در کاشان (پهلوی)	سایر رویدادهای دبیرستانی مرتبط
۱۳۲۳-۱۳۲۷	● آغاز عملیات احداث دبیرستان ۱۳۲۷ و بازدید محمدرضا پهلوی در ۹ مهر ۱۳۲۷ و تخصیص دو میلیون ریال برای ساختمان نو	● تأسیس دبیرستان ملی باباافضل به صورت ضمیمه به دبستان معارفی در سال ۱۳۲۶ و انحلال در سال ۱۳۳۲ ● اهدای زمین توسط کارخانه رسندگی و تعویق ساخت به علت جنگ جهانی و جابه‌جایی‌ها در اداره فرهنگ
۱۳۳۰-۱۳۳۷	● کلنگ‌زنی ساختمان در سال ۱۳۲۷ و تکمیل ساختمان اصلی و انتقال دانش‌آموزان از خانه حسام‌الاسلام به دبیرستان نوساز در اردیبهشت سال ۱۳۳۷	● شروع ساخت دبیرستان محمودیه در سال ۱۳۳۱ توسط حسن کاشانیان و بهره‌برداری در سال ۱۳۳۲ ● ساخت دبستان و دبیرستان جمشید و دبیرستان قوام السلطنه میمه در سال ۱۳۳۲ ● تشکیل پایه اول دبیرستان نظام وفای آران و بیدگل در سال ۱۳۳۳ ● افتتاح دانش‌سرای مقدماتی کاشان و دبیرستان ضمیمه سه کلاسه در سال ۱۳۳۴
۱۳۴۰-۱۳۴۱	● ادامه تکمیل و احداث سالن اجتماعات و تحویل قطعی به تاریخ ۱۳۴۰/۴/۲۲ برای سال تحصیلی ۱۳۴۰-۱۳۴۱ ● افتتاح رسمی و بازدید علی امینی نخست وزیر وقت از دبیرستان به تاریخ ۱۳۴۰/۸/۱۷	● اهدای هنرستان فنی محمد نراقی در سال ۱۳۳۹ و هنرستان نساجی در سال ۱۳۴۵ ● ساخت دبیرستان کاشانچی آران و بیدگل در سال ۱۳۴۴
۱۳۷۴	● تخریب برای احداث دبیرستان ۳۲ کلاسه	● در سال ۱۳۷۷ به صورت ساختمان نیمه‌کاره افتتاح شد

در سال ۱۳۲۰ اولین گروه دانش‌آموزان از این دبیرستان (دیپلم با پایه پنجم) فارغ‌التحصیلان شدند. در آن زمان دبیرستان با مدیریت حسن محسنی آراسته (انتقالی از همدان و دانش‌آموخته دانش‌سرای عالی) در کوچه شیخ‌الاسلام، کوچه آب‌انبار حاجی جمال واقع بود. اما در واقع بنای اصلی و ثابت دبیرستان، با کسب کمک شاه که به بازدید کاشان آمده بود، با تأمین زمین توسط تفضلی، مدیر کارخانه شماره یک، از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۰ ساخته شد. ولی احتمالاً تحویل قطعی و افتتاح رسمی آن با سفر امینی نخست وزیر در ۱۷ آبان ۱۳۴۰ روی داده است.<sup>۱</sup> پیگیری تأسیس و گسترش این دبیرستان مقدمات افزایش دانش‌آموزان و نیز دبیرستان‌های بیشتر را در پی داشت (جدول پیشین) که از میان آن‌ها، دبیرستان پهلوی و محمودیه ماندگار و شاخص شدند.

۱. روزنامه شفق کاشان، ۱۳۵۰/۸/۲۷، شماره ۶۱۷.

## □ سالنامه: آینه فکری و فرهنگی و مشق آتی شهر

علاوه بر دبیرستان‌ها که در این برهه جدید ایفاگر نقش پیش‌رانی فرهنگ هستند، آینه و تابلوی فرهنگی این مدارس سالنامه است. قبل از هرگونه تحلیل محتوا باید گفت سالنامه‌ها یا اسناد مکتوب و رسمی این نهادها از چند منظر حیاتی هستند:

- ثبت و مستندسازی تاریخ دبیرستان و وضعیت آموزش و پرورش یا نهاد فرهنگ وقت؛
- بازنمایی نگاه رسمی زمانه به خود شهر و پیشروان فرهنگی آن به (خویش‌تن) شهر و هویت تاریخی آن، اینکه کدام مکان‌ها و رویدادها مهم‌تر تلقی می‌شدند و ...؛
- چگونگی برجسته‌شدن رویدادها، افراد و کارگزاران وقت؛
- وضعیت جمعیتی دانش‌آموزی و درصد باسوادی یا تحصیلکردگان.

در جدول ۴ فشرده تحلیل محتوای سه سالنامه دبیرستان پهلوی ارائه شده است و در نهایت بعد از تحلیل محتوایی این سه، مفاد آن‌ها با سالنامه دبیرستان محمودیه مقایسه می‌شود. دبیرستان محمودیه در سال ۱۳۱۴ به‌عنوان ضمیمه دبیرستان پهلوی شروع به کار کرد و در سال ۱۳۳۲، در دوره مدیریت فرهنگ داورپناه، مدیر مدرسه لسان، حمایت مالی حسن کاشانیان، تاجر مقیم تهران، افتتاح شد.

### جدول ۴. خلاصه محتوای سه سالنامه منتشرشده نخستین دبیرستان کاشان طی ۱۴ سال<sup>۱</sup>

۱۳۲۴-۱۳۲۳				
	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مدیر فرهنگ: اسحاق نفیسی</li> <li>• مدیر دبیرستان: حسن محسنی آراسته</li> <li>• رئیس انجمن سالنامه: حسین امینی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• سوابق فرهنگی قدیم (شهر، علما و معاریف، نویسندگان، مجالس و مکاتب و مدارس قدیمه)؛</li> <li>• پیدایش مدارس جدید و آمار فصلی آن‌ها؛</li> <li>• پیدایش دبیرستان و سیر تکاملی آن (سازمان کنونی، افزار کار)؛</li> <li>• امور اجتماعی (انجمن‌ها و کمیته‌ها و گردش‌ها)؛</li> <li>• بخش مقالات و اشعار، باغ فین</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طرح جلد: مدرسه آقابرزگ، منظره داخلی عمارت مدرسه سلطانی ص ۹؛ گنبد و عمارت مدرسه آقابرزگ، ص ۱۱، آمار آموزشگاه‌ها؛</li> <li>• عکس بخشی از بنای بیمارستان کاشان، ص ۲۳؛</li> <li>• آبشار نیاسر و باغ فین ص ۵۱-۵۳؛</li> <li>• منار تاریخی زین‌الدین، ص ۶۱</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ۱۳۲۴ چاپخانه کاشان در ۶۲ صفحه.</li> <li>• قرار بوده در سال ۲۲-۲۳ منتشر شود، اما به‌علت عدم امکان چاپ عکس در کاشان و بردن به تهران و فارغ‌التحصیلی تیم اول تهیه‌کننده در سال ۲۳-۲۴ و دربرگیرنده دوسال دبیرستان با فروش قبوض قبل انتشار منتشرشده (مقدمه ص ۳)</li> </ul>

۱. منبع: سالنامه‌های دبیرستان

۱۳۳۲-۱۳۳۳				
	<ul style="list-style-type: none"> <li>● فرهنگ: داورپناه</li> <li>● مدیر دبیرستان: محسنی ارسته</li> <li>● اعضای سالنامه در جلسه اول در ۱۳۳۲/۱۰/۱۵: رئیس عالی آقای لطیفی (معاون دبیرستان)؛</li> <li>● رئیس و سایر اعضا: جواد ملکی، ناظم، پور، امینی</li> <li>(هر ۳ ششم طبیعی)، پارسنازاد (چهارم) و منتظمی (سوم)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مقدمه، تاریخچه ساختمان جدید، سازمان اداری (دفتر، کتابخانه، آزمایشگاه)، سازمان آموزشی</li> <li>(معرفی دبیران و کلاس‌ها و دانش‌آموزان و انجمن‌های سالنامه، سخنرانی، ورزش، همکاری خانه و مدرسه، سازمان جوانان شیر و خورشید)، مقالات</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● روی و آخر جلد عکس ورودی ساختمان اصلی و نمایی از درازای ساختمان مرکزی، نمایی از محوطه دبیرستان نوساز و درحال ساخت، ص ۹</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● ۱۲۰ صفحه، ۱۳۳۳، چاپخانه کوشش اهواز.</li> <li>● تشکر از سه نفر آن‌ها در صفحه ماقبل آخر آمده (عینکی، آچاری و باباقرباتی)</li> </ul>
۱۳۳۵-۱۳۳۶				
	<ul style="list-style-type: none"> <li>● فرهنگ: داورپناه</li> <li>● مدیر دبیرستان: محسنی ارسته</li> <li>● ناظم: محمودعربی (لیسانس شیمی و رتبه اول)</li> <li>● اعضای سالنامه: امیرحسین خواجوی ریاست عالی و عطارپور مجرد رئیس انجمن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مقدمه، تاریخچه دبیرستان، سازمان اداری، معرفی و آشنایی با کادر از مدیر و ناظم تا دبیران، عکس دانش‌آموزان، فعالیت‌های فوق‌برنامه، مقالات و نوشته‌های دبیران و محصلین</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مشعل دانایی و توانایی در طرح جلد، مسجد آقابزرگ، ساختمان جدید دبیرستان، باغ فین، مناره زین‌الدین</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● چاپ ۱۳۳۶، ۱۴۴ صفحه، در چاپخانه کاشان</li> <li>● هزینه انتشار: ۱۴ هزار ریال</li> <li>● ۱۰ هزار قبوض خارج دبیرستان و مابقی خرید دانش‌آموزان</li> </ul>

### تحلیل سالنامه‌ها

#### تحلیل و بازنمایی مطالب سالنامه نخست (۱۳۲۲)

کل اثر در ۶۲ صفحه و دو بخش (بخش نخست تاریخچه فرهنگ کاشان و بخش دوم مقالات و اشعار) تنظیم شده است. با وجود نشر در سال ۱۳۲۴، از سال ۱۳۲۲ آماده بوده است. مدیر مدرسه، محسنی آراسته، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۱۶ از دانش‌سرای عالی در دوره سه ساله فلسفه و علوم تربیتی است. دبیری دانش‌سرای همدان و ریاست دانش‌سرای پسران آنجا تا قبل از ۱۳۲۱ و ریاست دبیرستان در کارنامه وی ثبت شده است (ص ۲۷). در سالنامه ضمن اشاره به انتقال دبیرستان از خیابان صبا، کوچه شیخ‌الاسلام به خیابان پهلوی، با ۱۰ اتاق و صحن، بر نامناسب بودن مکان آموزشی تأکید شده است (همان صفحه).

● **عکس‌های مهم:** نادرند و از این‌رو مهم هستند که در آن زمان گرفتن آن‌ها سخت بوده است و هر عکس انتخاب نگاه و نگرش گرداندگان را نشان می‌دهد. روی جلد مسجد آقابزرگ است که داخل سالنامه نیز مجدداً کار شده و سپس عکس مدرسه سلطانی آمده است.

● **بخش تاریخی:** تأکید بر هنرهای دستی (کاشی‌کاری، پارچه و ...) کاشان؛ انتساب غلط مجالس‌المؤمنین به سمعانی و اینکه در آن ذکر کاشان آمده و نیز بستان السیاحیه و ذکر مدارس (ص ۶).

● **شخصیت‌های کلیدی و کانون آن عصر:** قطب‌الدین راوند (ارجاع به شرح نهج‌البلاغه وی و دفنش در زیارت حضرت معصومه (س) قم)؛ بابا افضل (ارجاع به برهان‌الحق او در تصوف)؛ غیاث‌الدین جمشید (ارجاع به مخالفت وی با هیئت بطلمیوسی)؛ ابوبکر محمدراوندی و راحه‌الصدور؛ سید ابوالرضا (صرفاً به محدث بودن استناد شده)؛ ملامحسن (ارجاع به وافی، صافی و کلمات مکنونه)؛ ملافتح‌الله کاشانی (منهج‌الصادقین و خلاصه منهج در تفسیر)؛ ملامهدی و ملا احمد فاضل‌نراقی (جامع‌السعادت و مستند)؛ ملا حبیب کاشانی (شرح عدلیه).

● **نویسندگان:** مسیح، کلیم، فتحعلی خان صبا، ابونصر شیبانی و محمدتقی خان سپهر، مؤلف ناسخ‌التواریخ.

● **مدارس دیگر:** در میان مجالس وعظ و مکتب‌خانه‌ها به این مدارس اشاره شده است: مدرسه سلطانی (با ۵۴ حجره و ساخت در سال ۱۲۲۵ق در زمان فتحعلی‌شاه، تولیت فاضل نراقی و قصیده صبا برایش)، آقابزرگ (ساخت در سال ۱۲۶۲ق توسط دو تاجر محمدتقی و حاجی آقاجونی با دو مسجد و ۲۰ حجره، اقتباس از سلطانیه و تولیت ملامهدی نراقی، معروف به آقابزرگ، برادر کوچک فاضل نراقی و افزودن موقوفاتش توسط صدراعظم نوری)، مدرسه درب یلان (ساخت در سال ۱۲۶۳ق توسط حاجی میرمحمدعلی تاجر با دو حیاط مسجد و مدرسه). اشاره به از رونق افتادن مدارس دینی با ظهور دارالفنون تهران و سپس قانون آموزش و پرورش عمومی رایگان در مرداد سال ۱۳۲۲.

هدف سالنامه «احصای تاریخ مدارس کاشان» ذکر شده و فصل دوم به نتیجه این بررسی با مصاحبه با افراد معمر (سالمند) اختصاص داشته است. با التفات به بخش تاریخی سالنامه و این هدف، تأکید این نهاد بر هویت تاریخی و فرهنگ کاشان مشخص است. اولین دبستان در سال ۱۲۸۰ش تأسیس شده است. دبستان‌های مطرح فیضیه، مظفریه، علمیه، فتوت، ادب اسلامی، محمدیه و محمودیه بوده‌اند که در زمان نگارش، یعنی سال ۱۳۲۲ش فقط دو مدرسه محمودیه (گوهر مراد وقت) و علمیه (با مدیریت غلامرضا معارفی) با تغییر نام باقی‌مانده و بقیه منحل شده‌اند. محمودیه به‌صورت ملی و با نام گوهرمراد تا سال ۱۳۲۲ش فعال بوده است. نام دبستان علمیه در سال ۱۲۹۷ش به احمدیه علمیه تغییر می‌کند و با مدیریت آقای معارفی دولتی می‌شود و در سال ۱۳۰۶ به دبستان پهلوی تغییر نام می‌دهد.

● **موفقیت زنانه:** نکته جالب آن است که دبستان دوشیزگان نراقی در سال ۱۳۰۵ تأسیس شد. خانواده نراقی در سال ۱۳۰۸ دبیرستان آن را هم راه‌اندازی کرد و تا سال ۱۳۲۳ توانست اکثر دانش‌آموزان دوره اول دبیرستان در کاشان را در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۵ جذب کند. اولین داوطلبان امتحان نهایی دوره اول دبیرستان کاشان دختران این دبیرستان بودند، در حالی که هنوز در این سال برای پسران، کلاس سوم دبیرستان وجود نداشت (ص ۱۶).

نقیسی، رئیس فرهنگ وقت، در مورد اهمیت و نقش تأسیس دانشگاه سخنرانی کرد. وجود انجمن‌های کتابخانه و سالنامه، نطق، مناظره و ورزش و نیز درج اساسنامه کامل این انجمن‌ها و حضور چهره‌هایی سرشناسی در میان اعضای انجمن سالنامه، کتابخانه و کمیته‌های وابسته به آن‌ها، مانند احسان نراقی و محمد فیلسوفی (ص ۳۵)، نکته مهم دیگری است.

● **آمار وضعیت فرهنگ:** ۴۲ آموزشگاه روزانه و هفت آموزشگاه شبانه در کاشان و حومه، آموزشگاه متوسطه ۱ و ۵ کلاس (دخترانه) و دو باب کمک آموزشی (هرکدام یک و سه کلاس) که یکی دخترانه بوده است (ص ۱۷). دبیرستان صرفاً تا پایه پنجم کلاس داشته و شاگرد اول کلاس پنجم دبیرستان، محمود عربی با معدل ۱۵/۸۵ بوده است که در کلاس ۲۲ نفره، ۲۰ نفرشان قبول شده‌اند. همین‌طور سخن و عکس از شاگرد اولی حبیب‌الله صنعتی در دو سال اول و دوم متوالی آورده شده است (ص ۴۸).

#### ◆ تحلیل سالنامه دوم (۱۳۳۳)

داورپناه، رئیس فرهنگ وقت (متولد خوانسار ۱۲۹۸)، لیسانس رشته قضایی از دانشکده حقوق و دارای فعالیت در اصفهان و آذربایجان بود و ریاست دبیرستان و دانش‌سرای مقدماتی و رئیس امور اداری فرهنگ اصفهان را بر عهده داشت. او دارای مدال درجه اول علمی از وزارت فرهنگ بود. ظرف چند ماه فعالیتش در کاشان، پایه ششم طبیعی را مجدداً در دبیرستان پهلوی افتتاح و دبیرستان محمودیه و اول متوسطه آران و میمه، و ملی خیام را راه‌اندازی کرد. جالب‌تر آنکه فیزیک، شیمی، ریاضی و ادبیات هم تدریس می‌کرد (ظاهراً علاقه‌های طبیعی او با این دو مورد مشهود است: احیای رشته ششم طبیعی و تدریس).

مدیر دبیرستان نیز، محسنی آراسته (۱۲۹۰، مشهد اردهال) دیپلم صرمیه اصفهان و لیسانس فلسفه و علوم تربیت از دانش‌سرای عالی، دبیری دانش‌سرای مقدماتی و دبیرستان‌های همدان و ورود به کاشان از سال ۱۳۲۱ و رییس (۱۲ سال تا این هنگام). چند بار هم کفالت فرهنگ کاشان را بر عهده داشته است. ظاهراً قبوض مجلد سالنامه دوم از سال‌ها قبل فروخته شده بود، ولی مشکلات چاپ در کاشان تا این سال هنوز باقی بود و چاپ سالنامه دوم هفت سال از چاپ سالنامه اول فاصله گرفت (چاپ اولین سالنامه سال ۱۳۲۴ بوده است).

در تاریخچه این موارد آمده است: اعطای دو میلیون ریال عطیۀ دربار؛ خرید ۱۲۵۰۰ متر زمین (۱۰ هزار متر اهدایی کارخانۀ ریسندگی و ۲۵۰۰ متر خرید از محل پول دربار)؛ شروع احداث در سال ۱۳۲۷ (فرمانداری اعتصام و فرهنگ آقای معارفی)؛ تعیین ۷۰۰ هزار ریال از وزارت فرهنگ برای تکمیل اشاره شده. کار اجرا در زمان ابطحی، محسنی و مؤید هم ادامه داشته تا در فروردین ۱۳۳۰ دبیرستان از محل استیجاری به اینجا منتقل شده، اما سالن بنا کماکان ناتمام باقی مانده است و باید تکمیل شود.

وجود ۱۲۵۲ جلد کتاب به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی، و درضمن شروع کار با آزمایشگاه از بدو تأسیس، یعنی ۱۳۱۵، در سالنامه قید شده است. وجود سه‌قسمت شیمی، طبیعی و فیزیک نیز ذکر شده است. علاوه بر دبیران، آقای دکتر میرشمس به‌عنوان پزشک آموزشگاه‌های کاشان تعیین شده است (ص ۲۶). در این سال برای پایه‌های اول تا سوم دو کلاس و پایه‌های چهارم و پنجم هر کدام یک کلاس و برای ششم طبیعی صرفاً عکس هشت نفر آورده شده است.

تعداد آموزشگاه‌های دایر در کاشان در سال تحصیلی ۲۴-۱۳۲۳، در صفحۀ ۲۰ تا ۲۳ درج شده است و با ذکر تاریخ تأسیس، نوع دولتی یا ملی و مختلط و دخترانه یا پسرانه بودن درج شده است. قدیمی‌ترین تاریخ تأسیس به دبستان پهلوی (۱۲۹۰ دولتی و پسرانه) و بعد از آن به دبستان و دبیرستان سپهر نطنز (۱۲۹۷ دولتی، پسرانه شش و یک کلاسه) تعلق دارد. در مجموع ۴۸ آموزشگاه (سه دبستان ملی خیام، گوهر مراد و اتحاد و ۴۴ آموزشگاه دولتی) در این زمان زیر نظر فرهنگ در کاشان و حومه فعال بودند. تاریخ تأسیس دبیرستان پهلوی نیز ۱۳۱۴ ذکر شده است (ص ۲۰). در این سال آخرین کلاس دبیرستان پهلوی پنج‌ساله بوده و ۲۳ نفر فارغ‌التحصیل داشته است. شاگرد اول این مقطع زمانی هم محمود عربی بوده است (ص ۲۳). به‌عبارت دیگر دبیرستان پنج پایه بوده است و کل دبیران دبیرستانی شهر شش نفر اعلام شده‌اند (ص ۲۴).

تعداد دانش‌آموزان دبیرستان از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۳، از ۱۴۸ نفر به ۵۲۰ نفر افزایش یافت که در همین سال ۲۰۰ نفر آن‌ها به محمودیۀ تازه‌ساز فرستاده شدند. تهیه نمودار میله‌ای این تغییرات در سالنامه (ص ۳۶) خود یک پیشرفت و اتفاق نو و قابل توجه در زمانۀ خود محسوب می‌شود.

در اعلام شاگردان اول و معدل آن‌ها یک نکته مهم نرخ قبولی نه چندان بالا و معدل پایین شاگردان اول است. احتمالاً سخت‌گیری و محتوای زیاد یا روش‌های آموزشی نامتناسب هم می‌تواند دلیل آن باشد. وجود دو نفر با کلمۀ رهقی (روستای رهق) در نام فامیلی‌شان در سال تحصیلی ۳۲-۱۳۳۱ (قاسمی رهقی، سال اول، معدل ۱۵/۴۸ و اصغر رهقی، سال سوم، معدل ۱۵/۸۲) معرف وجود استعدادهای برجستۀ روستایی است.

### ◆ تحلیل سالنامه سوم (۱۳۳۵)

سالنامه سوم همان‌گونه که در مقدمه‌اش بیان شده، در دو قسمت تدوین شده است: بخش اول معرفی دبیران، دانش‌آموزان و دبیرستان، و بخش دوم تراوشات فکری و علمی آن‌ها. تأکید زیادی روی معرفی رئیس فرهنگ وقت ندارد. در تاریخچه، ضمن مرور آنچه از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۳۵ رخ داده، نکته مهم کامل نشدن ساختمان دبیرستان تا این سال، با وجود انتقال به این مکان در زمان مؤید، رئیس فرهنگ در سال ۱۳۳۰ است که علتش هم تخصیص نیافتن بودجه بیان شده است.

در این سالنامه جز تغییر سبک معرفی افراد (دبیران) به زبان روایی و کمی طنز، به‌علاوه تأکید روی خصایص ظاهری و فردی، مطلب و رویه جدیدی وجود ندارد. این شیوه البته رسمیت و خشکی معرفی افراد را کاهش داده است. محسنی آراسته نیز در یادداشتی تحت عنوان **گفتنی‌ها**، به رکود مطبوعات در کاشان اشاره خوبی کرده است و اینکه **سالنامه خودش نقشی مطبوعاتی ایفا می‌کند** او از نشر سالنامه دفاع کرده و آن را برای آموزشگاه مفید دانسته است؛ با اذعان به اینکه نمی‌خواهد به‌گراف آن را ارزنده و بزرگ جلوه دهد. همچنین برای تکمیل سالن نیمه‌تمام دبیرستان درخواست کمک کرده است (ص ۱۶-۱۲). کلاس ششم طبیعی عکسی دارد و سایر پایه‌های ریاضی و طبیعی زیر چهارم دو کلاس الف و ب دارند؛ به جز اول. علاوه بر معرفی آزمایشگاه و کتابخانه، افزوده‌شدن کارگاه و موزه برای ارائه کارهای دستی دانش‌آموزان اقدام جدیدی است.

در بخش فوق برنامه، دو فعالیت «انجمن شیر و خورشید» و «سازمان پیشاهنگی» که شعار آن «پیشاهنگی در امور نیک» است، به برنامه مدرسه اضافه شده است. این برنامه‌ها جزو بوروکراسی اعمال شده به مدارس دانسته شده‌اند. دو سال است که سازمان پیشاهنگی فعال شده است و ۱۳ عضو دارد که هشت نفرشان بنا به گزارش **منعمیان**، مدیر فنی پیشاهنگی، افتخار اخذ دستمال گردن از اعلیحضرت را کسب کرده‌اند (ص ۵۰). گزارش گردش علمی، بازدید از اداره پست و تلگراف، و انجام چند آزمایش نیز در سالنامه آمده است. در آمار اعلامی یک نکته افزایش معدل شاگردان اول به مقادیر بالا (معدل ۱۸/۲۶ شاگرد اول کلاس دوم) و افزایش نرخ قبولی در سال تحصیلی ۳۵-۱۳۳۴ است. از تعداد ۳۲ نفر دانش‌آموز ششم طبیعی، ۲۴ نفر قبول شدند که فقط این نرخ از همه پایین‌تر است. آمار کل دانش‌آموزان در این سال هم به ۳۷۲ نفر رسید.

### □ شکل‌گیری دبیرستان دوم و سالنامه دبیرستانی محمودیه

پس از ساخت نخستین دبیرستان و افتتاح آن، یک دبیرستان دیگر به کمک بازرگان خیر کاشانی مقیم تهران، **حسن کاشانیان**، به نام محمودیه (احتمالاً جد سازنده) ساخته می‌شود. در همین زمان این دبیرستان نیز به انتشار سالنامه خود مبادرت کرد که در ادامه ارائه و مقایسه می‌شود. این اقدام تحت تأثیر همین موج سالنامه و رقابت با دبیرستان پهلوی است.

**جدول ۵. خلاصه محتوای سالنامه دبیرستان محمودیه کاشان، (سال ۱۳۳۵-۱۳۳۶)**

نشر	عکس‌ها	بخش‌ها	مدیران	جلد
<ul style="list-style-type: none"> <li>چاپ و انتشارات کیهان اردیبهشت ۱۳۳۶، در ۱۰۳ صفحه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>آرم دبیرستان با کلیشه تأسیس سال ۱۳۳۲ در طرح جلد، گوشه حیاط و نمای دبیرستان از جلو، عکس شاه، کارگاه و آزمایشگاه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>مقدمه، تاریخچه دبیرستان و افتتاح از سال ۱۳۳۲ و زمان داورپناه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>فرهنگ: حسین خلود</li> <li>مدیر دبیرستان: حسین لسان</li> <li>ناظم: عنایت الله تنوتاس (لیسانس فیزیک)</li> <li>اعضای سالنامه: تنوتاس ریاست عالی و مهدی بروجردی علوی</li> <li>گوینده شعر پیام رئیس انجمن</li> </ul>	

در قصیده اول سالنامه (با تخلص سیدی)، کلیدواژه‌های شعر فیض، صبا، زری بافی و قالی بافی، قمصر و بی بی، و گوهر علم و ادب مدنظر تهیه کنندگان بوده است. اشاره به دایرشدن رشته ادبی در دبیرستان در سال گذشته که به علت عدم استقبال، به جای آن چهارم طبیعی دایر شده است. اما چون کمبود دبیر داشته، این دانش آموزان به کلاس چهارم طبیعی دبیرستان پهلوی انتقال یافته‌اند. این امر از ارجحیت و تقاضای بالاتر رشته‌های طبیعی در آن سال‌ها نیز حکایت دارد. در مورد کاشانیان، بانی و مؤسس، جز عکس و همین عنوان اطلاعاتی درج نشده است.

در سوابق رئیس فرهنگ، آقای حسین خلود (شیراز، ۱۳۰۳)، به داشتن دو دیپلم ادبی و طبیعی، فارغ التحصیلی سه ساله از دانشکده علوم، دبیری دبیرستان‌های شیراز و آبادان، و سفر به عراق، سوریه و بیروت اشاره شده است. علاوه بر آمار تحصیلی دبیرستان در سال ۱۳۳۵، در سوابق رئیس دبیرستان، آقای لسان (کاشان، ۱۳۰۴)، اخذ لیسانس از دانش‌سرای عالی در سال ۱۳۲۷، ۲۲ سال نظامت و ریاست دبیرستان در کاشان، و علاقه به کتاب آمده است. در ضمن از یکی از دبیران بنام، نعمت‌الله تنوتاس (۱۳۱۱، کاشان) و دبیر شیمی نام برده شده که شاگرد اول دانشکده علوم بوده و برای ادامه تحصیلات دوره دکترا به بلژیک اعزام شده است.

کتابخانه با ۲۰۰ جلد کتاب، انجام کارهای دستی در کارگاه و آزمایشگاه نیز برجسته شده‌اند. در آمار دانش‌آموزان از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۵، هر دو سال پنج پایه و سال اول از هر پایه دو کلاس دایر بوده است، ولی سال ۱۳۳۴ فقط یکی دیده می‌شود. بالاترین معدل، ۱۶/۸۵ نیز مربوط به کلاس چهارم، اصغر رهقی در سال تحصیلی ۳۳-۱۳۳۲ بوده است. رئیس انجمن سخنرانی، حسین بنی کاظمی و کلاس‌های کارآموزی، و انجمن هنر و موسیقی نیز علاوه بر انجمن ورزش و شیر و خورشید در این دبیرستان تأسیس شده است. در سالنامه از مهندس نصرت‌الله اربابی به‌عنوان نماینده عمران و حضورش در جشن مبارزه با بی‌سوادی که در سالن محمودیه برگزار شده نیز نام برده شده و دو شعر از او نیز به چاپ رسیده است (ص ۳۰ و ۳۱). به علاوه چند شاعر با ذکر چند شعر ایشان معرفی شده‌اند

که یکی حسینعلی منشی (و اشعارش در جشن تجلیل از معلمان غلامرضا معارفی و علینقی راوندی) و دیگری حبیب‌الله صناعتی است.

در تحلیل مقالات تاریخی این سالنامه‌ها می‌توان نظریه‌ها عصر را نسبت به تعریف و شناخت خود دریافت. مقالات سالنامه و توجه جدی آن به تاریخ، موضوعات و شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی شهر، برای اولین بار صورت جمعی و همگانی (ولو در جامعه دبیرستانی، دبیر و فرهنگی شهر) به خود می‌گیرد و زمینه‌ساز شناخت از خود و بازشناسی مجدد هویت محلی می‌شود.

در مجموع در سالنامه دو دبیرستان، به‌عنوان نهادهای اصلی فرهنگی شهر، در سال ۱۳۳۵ دو مقاله درخصوص تاریخ کاشان درج شده است (مقاله «کاشان از نظر تاریخی»، از جواد ظهیری، دبیر تاریخ و جغرافیا، در سالنامه دبیرستان پهلوی، و «شهر کاشان را بشناسید» از محمد فیضی در سالنامه دبیرستان محمودیه) که مبین جدیت بازاندیشی به‌هویت و تاریخ شهر هستند. باتوجه به نوشته و نگاه دو نویسنده به تاریخ و هویت شهر، این هنرهای دستی و معماری بناهای بازمانده تاریخی هستند که تعریف و تصویر شهر را نزد بزرگان و فرهیختگان (و احتمالاً اکثریت مردم) آن عصر شهر می‌سازند. این نگاه البته بی‌تأثیر از کاوش‌های گیرشمن و سیرو در کاشان نیست.

از سوی دیگر، مفاهیم جدید علمی و فناورانه، مانند اتم، پالایشگاه، نظریه تکامل و ... نیز به‌عنوان موضوعات مهم جامعه علمی شهر کاشان تعریف می‌شده‌اند که بی‌تأثیر از روح زمانه پوزیتویسم‌محور نبوده است. در گذر یک‌دهه، عکس‌های جلد از تصویرهای بناهای تاریخی مهم، به طرح‌های انتزاعی‌تر و آرم هویتی مدارس تغییر می‌یابد که حاکی از هویت‌طلبی دبیرستانی است.

#### ■ نتیجه‌گیری

اگر با نگاه منصور، در دیباچه کتاب «مبانی علم و طراحی مفهومی دانشگاه در ایران» همراه باشیم که شکل‌گیری دانشگاه در ایران با نگاه مدرسه‌ای بوده و دانشگاه‌های کنونی نیز با همان نگاه و مأموریت مدارس اولیه و زیر سایه دارالفنون تداوم نقش یافته‌اند، می‌توان گفت مدارس و خاصه دبیرستان‌ها بیشترین و بنیادی‌ترین نقش را در توسعه علمی و فرهنگی کشور داشته‌اند. دبیرستان‌ها بنا به تعداد و جمعیت دربرگیرنده هر شهر و تا قبل از گسترش آموزش عالی در دهه ۱۳۵۰، پیش‌ران و خط مقدم توسعه فضاهای علمی و فرهنگی و آینده‌ساز دگرگونی‌های نسل بعد بوده‌اند. در شهرها و نقاط پیرامونی، به‌علت عدم توسعه دانشگاه‌ها و شکل‌گیری و گسترش دیرهنگام دبیرستان‌ها، این نقش هم مؤکدتر و هم طولانی‌مدت‌تر بوده است.

در شهر کاشان، به‌عنوان یک نمونه پایا، جایگاه دبیرستان‌ها، با شروع یک موج اخذ مجوز پایه‌های اول دبیرستانی، عملاً با تأسیس نخستین دبیرستان شهر و فعالیت‌های

هم‌پیوند آن، به‌عنوان یک نهاد مؤثر، شکل‌گرفت و در ایجاد و گسترش جمعیت فرهیخته و فرهنگی نقش کلیدی یافت. این پیشگامی نه تنها با نحوه مدیریت، شایستگی‌های فردی رؤسای ادارات فرهنگ، و مدیران و آموزگاران دبیرستان‌ها که می‌توان آن‌ها را کنشگران مرزی کاشان عصر خود دانست، بلکه با ابزار و فعالیت‌هایی که سالنامه‌نویسی طلایه‌دار آن‌هاست، حاصل شد که به صورت گروهی و عملی رخ داده است.

انجمن‌های سخنرانی، نشر سالنامه، نگارش مقاله یا سرایش اشعار و بالطبع تشکیل انجمن‌های مذهبی و شعری (در دهه‌های بعد، مانند انجمن صبا و ...) بخشی از فرصت‌های برآمده و مندرج در سالنامه‌نویسی بوده است. به‌علاوه سالنامه به‌عنوان یک رسانه، گنجینه و فرصت منضبط و مکتوب‌سازی افکار و نگاه‌های نسل و زمانه، نقش مهمی در پرورش، توسعه و برساخت هویتی مشخص و قابل تعریف نزد تحصیلکردگان و حتی عموم مردم نسبت به شهر و بازتعریف تاریخی آن با مقالات تاریخ و جغرافیای کاشان ایفا کرده است. نشر چهار سالنامه در فاصله بیش از ۱۰ سال در جامعه‌ای که نرخ بی‌سوادی‌اش بالاتر از حداقل باسوادی است نیز مؤید تمایل کارگزاران و قشر نودانش‌آموخته برای پیشروی در فرهنگ و سواد بوده است. این تلاش‌ها کم‌کم و با ایجاد دانش‌سرای مقدماتی در شهر (دهه ۱۳۵۰) و با ایجاد مدرسه عالی علوم در کاشان، مقدمه و زمینه‌ساز پاگیری و تأسیس دانشگاه بعدی کاشان شد.

## منابع

۱. فراستخواه، مسعود (۱۴۰۲). کنشگران مرزی. انتشارات گام نو. تهران. چاپ دوم.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). تاریخ دانشگاه در ایران. پژوهشکده مطالعات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ اول.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰). استادان استادان چه کردند؟ نشر نی. تهران.
۴. مناشری، دیوید (۱۳۹۷). نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن. ترجمه محمدحسین بادامچی و عرفان مصلح. انتشارات سینا. تهران.
۵. صدیق، عیسی (۱۳۱۹). تاریخ مختصر آموزش و پرورش. شرکت سهامی طبع کتاب. تهران. چاپ سوم.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۵). دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران. شرکت سهامی طبع کتاب. تهران.
۷. منصوری، رضا (۱۴۰۱). مبانی علم و طراحی مفهومی دانشگاه در ایران. انتشارات دیبایه. تهران. چاپ اول.
۸. قاسمی، فرید (۱۳۸۶). سالنامه نگاری در ایران. شرکت سهامی کتابهای جیبی. تهران.
۹. باقریان موحد، سیدرضا (۱۴۰۰). سالنامه‌های مدارس ایران (۱۳۵۵-۱۳۰۳). انتشارات وراقان. قم.
۱۰. محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید (ج ۱). انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۰). تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات عالی آموزشی ایران در عصر خجسته پهلوی. دانشگاه تهران.
۱۲. مرکز آمار ایران، آمار سرشماری ۱۳۳۵ (۱۳۳۸). نشر وزارت کشور.
۱۳. سادات، محمود (۱۳۹۵). تاریخ فرهنگ کاشان. نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی.